فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی

سال ششم، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۹۷، صفحات ۶۸– ۴۷

بررسی تأثیر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم بر توزیع درآمد با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته

محمدشریف کریمی

استادیار گروه اقتصاد دانشگاه رازی

sharifkarimi@yahoo.com

معصومه دورباش

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد انرژی دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)

masoume.dourbash@gmail.com

از مهم‌ترین وظایف اقتصادی دولت‌ها کنترل وضعیت نابرابری درآمد است؛ به این ترتیب دولت‌ها باید به منظور کاهش نابرابری، چگونگی تغییرات درآمدهای افراد جامعه را با استفاده از ابزارهای موجود تجزیه‌وتحلیل کنند. توزیع درآمد و تلاش در راستای بهبود آن، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که دولت‌ها با آن مواجه هستند. توزیع درآمد از عوامل مهمی تأثیر می‌پذیرد. لذا هدف از این مقاله بررسی تأثیر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم بر توزیع درآمد در ۲۷ استان منتخب کشور، در دوره زمانی ۱۳۹۴– ۱۳۸۵ با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته است. نتایج حاصل از برآورد مدل نشان می‌دهد که مالیات‌های مستقیم با ضریب جینی رابطه مثبت دارد؛ بدین معنی که وضعیت توزیع درآمد بدتر می‌شود و رابطه مالیات‌های غیرمستقیم با ضریب جینی منفی است، یعنی وضعیت توزیع درآمد بهتر است؛ که این نتیجه بر لزوم توجه به مالیات‌های غیرمستقیم تأکید دارد. از سوی دیگر تولید ناخالص داخلی دارای اثری منفی و معنادار بر نابرابری درآمد است. همچنین اثر شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی بر توزیع درآمد، مثبت و معناداری است.

طبقه‌بندی JEL: H26

واژگان کلیدی: مالیات‌های مستقیم، مالیات‌های غیرمستقیم، ضریب جینی، روش گشتاورهای تعمیم‌یافته.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۵

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

۱. مقدمه

توزیع نابرابر درآمد و ثروت در جامعه سبب بروز مشکلات بسیاری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور خواهد شد. از این رو یکی از وظایف اقتصادی دولت، توزیع مناسب درآمد و ثروت است. سیاست‌های مالی دولت قطعاً می‌تواند در کاهش نابرابری و توزیع مجدد درآمد مؤثر باشد. به عبارت دیگر، دولت می‌تواند به نحوی توزیع مجدد درآمدها را تنظیم کند که باعث افزایش درآمد فقرا و تعدیل درآمد ثروتمندان شود؛ یعنی فاصله طبقاتی درآمد بین گروه‌های مختلف جامعه کاهش یابد. این سیاست‌ها می‌تواند از طریق اعمال مالیات‌ها یا برقراری مخارج انتقالی دولت مثل سوبسیدها (مالیات‌های منفی)، کمک‌های بلاعوض و یا افزایش تسهیلات مالی برای افراد کم‌درآمد باشد. حال این سؤال مطرح است که در سیستم مالیاتی اعمال چه نوع مالیاتی از نوع مستقیم و یا غیرمستقیم بر توزیع مجدد درآمد مؤثر است؟ بنابراین هدف از این مقاله بررسی عوامل مؤثر بر توزیع مجدد درآمد در اقتصاد ایران با تأکید بر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم خواهد بود.

یکی از راه‌هایی که توزیع درآمد دست‌خوش تغییر می‌شود سیستم مالیاتی است که بحث‌های مهمی در رابطه با اثرات توزیعی مالیات وجود دارد. این بحث‌ها زمانی جدی‌تر خواهد شد که دولت قصد اصلاح قوانین مالیاتی را داشته باشد. برای مثال، هرگاه دولت اعلام می‌کند که قصد دارد نرخ مالیات بر ارزش افزوده را افزایش دهد، بحث‌ها حول مکانیزم اثرات انتشار این مالیات‌ها و همچنین اثرات توزیعی آن افزایش می‌یابد (انگل و همکاران، ۱۹۹۹). گزارش مرکز آمار ایران حاکی از آن است که ضریب جینی (شاخص توزیع درآمد) در ایران از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۲ روند کاهشی داشته است. لذا گزارش مرکز آمار ایران از تغییر وضعیت شاخصی نابرابری درآمدها (ضریب جینی) در اقتصاد ایران حاکی از آن است که طی چند سال گذشته فاصله طبقاتی در کشور کاهش و عدالت از منظر شاخص ضریب جینی بهبود یافته است. گرچه این نسبت در حال کاهش است، اما هنوز هم فاصله طبقاتی زیادی وجود دارد که باید سعی در کاهش و حتی از بین بردن آن کرد. دولت می‌تواند نقش ارزنده و بسیار مفیدی در زمینه توزیع عادلانه درآمد در جامعه

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

ایفا کند و با استفاده از سیاست‌های مختلف، توزیع درآمد را در کشور عادلانه‌تر کرده و بخشی از نابرابری‌ها را از بین ببرد. سیاست‌های مالی دولت‌ها از عمده‌ترین راه‌حل‌های این معضل است که می‌تواند در بازگرداندن و یا ایجاد شرایط مطلوب به مدد دست‌اندرکاران اقتصاد جامعه بیایند. دولت با اعمال سیاست مالی مناسب می‌تواند بستر لازم برای رسیدن به برابری درآمدی دهک‌های مختلف جمعیتی را ایجاد کند و به توزیع مجدد درآمدها دست یابد که یکی از این ابزارهای سیاست مالی، مالیات‌ها و ازجمله مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم است. دولت می‌تواند با وضع مالیات های مختلف نظیر مالیات بر شرکت ها، مالیات بر درآمد و ... گام بلندی در زمینه توزیع درآمد در جامعه بردارد. توزیع درآمد از عوامل بسیاری تأثیر می‌پذیرد که می‌توان این عوامل را به دو دسته عوامل اقتصادی و عوامل غیراقتصادی تقسیم کرد. عوامل اقتصادی شامل رشد اقتصادی، درآمد سرانه، تورم، سیاست های پولی و عوامل غیراقتصادی شامل فساد و آموزش می‌شوند. از سوی دیگر، با مشاهده روند درآمدهای مالیاتی طی سال‌های اخیر مشخص شد که سهم درآمدهای مالیاتی مستقیم و غیرمستقیم کاملاً متفاوت از یکدیگر بوده، لذا تفکیک این دو نوع درآمد مالیاتی و بررسی اثرات آن ها بر روی توزیع درآمد می‌تواند به شفافیت نتایج برآوردی کمک شایانی کند. بدین منظور در بخش دوم ابتدا مروری بر ادبیات موضوع صورت می‌گیرد، در بخش سوم به تحقیقات انجام‌شده در جهان و ایران پرداخته، در قسمت چهارم روش تحقیق ذکر و مدل معرفی می‌شود، در بخش پنجم نتایج کمی آزمون‌ها و در بخش ششم نیز نتیجه گیری و پیشنهادها ارائه می‌شود.

۲. مبانی نظری

مالیات از مهم‌ترین منابع تأمین مالی دولت است و سیاست های مالیاتی نیز یکی از مؤثرترین خط مشی‌ها در بخش عمومی هستند (روزن،[1] ۲۰۰۵). مالیات قسمتی از درآمد یا دارایی افراد است که به منظور پرداخت مخارج عمومی و اجرای سیاست‌های مالی در راستای حفظ منابع اقتصادی،

1. Rosen

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

اجتماعی و سیاسی کشور به موجب قوانین و به وسیله اهرم های اداری و اجرایی دولت وصول می شود. مالیات نوعی هزینه اجتماعی است که شهروندان به عنوان بهای خدمات دولت ازجمله ایجاد رفاه و آسایش و امنیت پایدار، آموزش و پرورش، آموزش عالی و بهداشت و درمان می‌پردازند. عده‌ای مالیات را مبلغی می‌دانند که دولت از اشخاص، شرکت ها و مؤسسات، طبق قانون برای تقویت حکومت و تأمین مخارج عمومی اخذ می کند. همچنین مالیات به عنوان اصلی‌ترین ابزار کسب درآمد و توزیع منابع برای دولت‌ها جهت دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی مطرح است. بدون تردید مالیات و نظام مالیاتی نقش مؤثری در روند توسعه کشور دارد. مالیات به عنوان یکی از ابزارهای هدایت غیرمستقیم دولت از طریق تأثیر بر فعالیت های بنگاه های اقتصادی می تواند در سیاست گذاری‌های کلی کشور نقشی کلیدی ایفا کند. دولت با تدوین نظام مالیاتی مناسب می‌تواند بر چگونگی دستیابی به هدف های توسعه‌ای تأثیر گذارد. از سوی دیگر مالیات ابزاری است برای توزیع عادلانه درآمد و ثروت کشور که نقش تعدیل کننده ثروت در جامعه را دارد، به طوری که هر کسی درآمد بیشتر و ثروت بیشتری دارد باید مالیات بیشتری پرداخت کند. به عبارت دیگر، پرداخت مالیات، مشارکت مردم در تأمین بخشی از هزینه های عمومی و مهم‌ترین ابزار سازمان‌دهی اقتصاد هر کشور است. دولت‌ها با اخذ این مالیات‌ها نوعی درآمد کسب کرده و این درآمد را صرف توزیع عادلانه بین افراد کشور کرده و از این طریق کشور را نیز به سوی توسعه اقتصادی سوقی می‌دهند (جعفری و صمیمی، ۱۳۷۵).

ماسگریو (۱۹۵۹) بیان می کند که مالیات در اقتصاد نقش های متفاوتی را ایفا می کند: تثبیت، تخصیص و توزیع درآمد. تثبیت به وظیفه دولت در تحریک فعالیت های اقتصادی و مصرف اشاره دارد. تخصیص به ایجاد کالاها و خدمات عمومی و توزیع درآمد از طریق انتقال درآمد از افراد ثروتمند به فقیر برای داشتن جامعه برابرتر اشاره می کند. اثر مالیات بر توزیع درآمد به نوع سیستم مالیاتی اتخاذشده در اقتصاد از لحاظ مستقیم و غیرمستقیم بودن مالیات‌ها بستگی دارد. در اغلب کشورها مالیات مستقیم شامل مالیات بر درآمد اشخاص، ثروت و شرکت‌ها است. مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی به صورت نرخ‌های تصاعدی بر درآمد مؤثر پس از سطوح معاف‌شده معین

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

اعمال می‌شود. در صورت نبود فرار مالیاتی، این نوع مالیات در جهت هدف توزیع مجدد درآمد است و با اصل توان پرداخت مطابقت دارد. مالیات بر ثروت نسبت به ثروت تجمعی افراد اعمال می‌شود و وجه تصاعدی مالیات‌ها را به‌ویژه در گروه‌های درآمدی بالا افزایش می‌دهد. لذا مالیات بر ثروت خالص همراه با مالیات بر درآمد موجب توزیع بهتر مالیات‌ها با توجه به توان پرداخت افراد می‌شود. علاوه بر این، مالیات بر ثروت خالص از طریق توزیع مجدد ثروت، جلوگیری از تصاعدی شدن آن و تشویق استفاده مؤثر از دارایی‌ها، می‌تواند به صورت ابزار مفیدی با هدف انجام اصلاحات اقتصادی و اجتماعی به کار رود. اثر مالیات بر شرکت‌ها بر توزیع درآمد، U شکل است یعنی برای شرکت‌های بزرگ و کوچک مخرب و برای شرکت‌های با اندازه متوسط موجب بهبود توزیع درآمد می‌شود. در مقابل مالیات‌های غیرمستقیم اثرات مخربی بر توزیع درآمد دارد؛ زیرا در ساده‌ترین شکل آن نرخ واحد برای تمامی معاملات مشمول مالیات در نظر گرفته می‌شود و از آنجایی که میل نهایی افراد کم‌درآمد به مصرف کالاها و خدمات بیشتر از افراد پردرآمد است، سبب بدتر شدن توزیع درآمد خواهد شد. مطالعاتی که در این زمینه‌ها انجام گرفته است به دو صورت مالیات‌های کلی و مالیات‌های مستقیم انجام شده است که نتایج نشان می‌دهد رابطه منفی بین مالیات مستقیم و ضریب جینی برقرار است. در این مطالعه چون مالیات مستقیم و مالیات غیرمستقیم جدا فرض شده است، لذا رابطه منفی بین مالیات مستقیم و ضریب جینی و رابطه مثبت بین مالیات غیرمستقیم و ضریب جینی برقرار است. از دیدگاه توزیع درآمد، یک راه ساده برای افزایش کارایی مالیات‌های غیرمستقیم، آن است که نرخ‌های متفاوت مالیات بر روی کالاهای مورد مصرف افراد کم‌درآمد و پردرآمد تعیین شود. به عنوان مثال در سیستم مالیات بر ارزش افزوده می‌توان نرخ مالیات کالاهایی که بخش بزرگی از درآمد خانوارهای کم‌درآمد را به خود اختصاص می‌دهد (مثل مواد غذایی) حذف و یا کاهش داد و نرخ مالیات کالاهای لوکس را که بیشتر توسط افراد پردرآمد مصرف می‌شود افزایش داد.

در دانش توسعه اقتصادی از دو مقوله تخصیص و توزیع منابع سخن به میان می‌آید که در صورت تحقق کارایی تخصیص و توزیع منابع می‌توان رفاه جامعه را به حداکثر رساند. از آنجا که

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

مقوله توزیع درآمد بر اساس روش‌های جمعیت‌شناختی و مبتنی بر ارزش‌های جامعه تعیین می‌شود، نقش نهاد دولت در آن بااهمیت است (طیب‌نیا، ۱۳۸۵).

کلاسیک‌ها توزیع عادلانه بار مالیاتی را بین طبقات مختلف مطرح کردند به شرطی که مالیات‌ها بتوانند وظایف دولت چون حفظ امنیت عمومی و مواردی چون بهداشت و آموزش را سامان دهند. کینزین‌ها به موارد فوق تقویت نظام رفاه اجتماعی و افزایش وظایف دولت در حوزه‌های مختلف را هم افزودند. واضح است که سیاست‌های توزیع درآمد برای کینزین‌ها اهمیت بیشتری نسبت به کلاسیک‌ها داشته است (رنگریز و خورشیدی، ۱۳۷۸).

مالیات ها از دو طریق می‌توانند بر توزیع درآمد در جامعه تأثیرگذار باشند؛ اول از طریق بودجه سالانه دولت، بدین صورت که دولت مالیات وضع‌شده بر مردم را به صورت درآمد در بودجه منظور می‌کند و از طریق وضع قوانین مناسب نسبت به توزیع آن‌ها اقدام می‌کند و دوم از طریق مالیات بر فعالیت‌های اقتصادی که موجب تغییر در درآمد صاحبان عوامل تولید از کانال تغییر در روابط معاملاتی بین بخش‌های مختلف اقتصادی می‌شود، می‌تواند بر نحوه توزیع درآمد در جامعه تأثیرگذار باشد. به طور کلی می‌توان گفت تأثیر انواع مختلف مالیات ها بر توزیع درآمد به بار مالیاتی منتقل‌شده بستگی دارد. به لحاظ نظری مالیات‌های مستقیم با نرخ تصاعدی تأثیر بیشتری بر توزیع درآمد دارند در حالی که مالیات‌های غیرمستقیم از طریق تأثیر بر مصرف خانوار بر توزیع درآمد تأثیر می‌گذارند و سبب انتقال درآمد از دهک های بالا به پایین می‌شوند در صورتی که یک آگاهی کاملی از روند انتقال مالیات‌های غیرمستقیم و میزان تأثیر آن بر عوامل مختلف وجود داشته باشد و مصرف کنندگان محصولات مختلف و همچنین سطوح مختلف درآمدی افراد کاملاً مشخصی باشد (ژیانگ،[1] ۲۰۱۰).

رویکردهای نظری موجود در زمینه تأثیر مالیات‌ها بر توزیع درآمد، جملگی بر اهمیت نقش مالیات‌ها بر توزیع درآمد تأکید دارند. در ابتدا، رویکردها بر نحوه چگونگی انتقال بار مالیاتی و

1. Jiang

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

پرداخت کننده نهایی توجه داشتند که به مرور زمان بر نحوه چگونگی سیاست‌های بودجه‌ای دولت در تأمین حداقل شرایط زندگی متمرکز شده‌اند. بر اساس قضیه دوم اقتصاد رفاه، دولت از طریق مالیات‌ها در توزیع مجدد ثروت‌های اولیه دخالت می‌ورزد تا پس از آن افراد در بازار رقابتی آزادانه به مبادله بپردازند. این وضعیت به‌صورت پارتویی نتیجه خواهد داد و رفاه حداکثر می‌شود (دادگر، ۱۳۸۰).

۳. پیشینه تحقیق

مهران (۱۹۷۵) اثر توزیعی مالیات‌ها را بر اساس تحلیل‌های رایج اصابت مالیاتی مورد بررسی قرار داده و در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده که مالیات‌بندی در ایران، تأثیر متعادل‌کننده‌ای بر توزیع درآمد نداشته است، زیرا که توزیع متوسط نرخ‌های مؤثر مالیاتی به شکل «U» است و حداکثر پرداخت مالیاتی متعلق به دهک‌های اول، دوم، نهم و دهم است در حالی که کمترین نرخ‌ها مربوط به دهک‌های چهارم تا هفتم است.

حمیدی، چو و گوپتا (۲۰۰۰) در مقاله‌ای، توزیع درآمد و مالیات در کشورهای درحال‌توسعه و کشورهای درحال‌گذار را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که در کشورهای درحال‌توسعه، توزیع درآمد قبل از مالیات، نسبت به کشورهای صنعتی برابرتر است. هرچند برخلاف کشورهای صنعتی، کشورهای درحال‌توسعه در کل قادر نیستند با استفاده از مالیات و سیاست‌های انتقالی نابرابری درآمد را کاهش دهند.

برد (۲۰۰۵) در مقاله‌ای به بررسی نقش محدود مالیات بر درآمد اشخاص در کشورهای درحال‌توسعه می‌پردازد. برد در این مقاله درصدد بررسی این مسئله است که آیا می‌توان با استفاده از مالیات بر درآمد، به بهبود توزیع درآمد در کشورهای درحال‌توسعه امید داشت؟ به اعتقاد وی در این کشورها مالیات بر درآمد ناقص و غیرتصاعدی است و هزینه‌های اجرایی و سیاسی اجرای سیستم مالیات تصاعدی بالا است، بنابراین نمی‌توان از این سیستم برای بهبود توزیع درآمد استفاده کرد. وی تقویت مالیات بر مصرف و سیاست‌های هزینه‌ای در جهت تأمین منافع فقرا را از روش‌های جایگزین جهت کاهش فقر و نابرابری معرفی می‌کند.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

تاجیکا و یاشیو (۲۰۰۷)، به بررسی اثر مالیات‌های مستقیم بر توزیع درآمد پرداختند. این بررسی بر دو قسم است: اول، نشان می‌دهند که در واقعیت بار مسئولیت تأمین اجتماعی[1] بالاتر از بدهی‌های مالیاتی برای اکثر جمعیت شاغل[2] است. دوم، نشان می‌دهند که معرفی اعتبارهای مالیاتی ممکن است بار مالیاتی را کاهش دهند. نتایج مدل سازی که از داده‌های درآمد خانوار استفاده کردند، نشان دادند که مالیات و بار مسئولیت تأمین اجتماعی ترکیبی از خانوارهای با گروه‌های درآمدی مختلف است.

روین و همکاران (۲۰۰۹)، با استفاده از داده‌های تابلویی ۱۶ کشور در طول قرن بیستم به بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری درآمد پرداختند. آن‌ها روی سه گروه درآمدی ثروتمند، بالای متوسط و مجموع بقیه گروه‌های درآمدی متمرکز شده‌اند. در رابطه با تأثیر مالیات، روین و همکارانش به این نتیجه رسیدند که افزایش مالیات سهم دهک درآمدی بالا را کاهش داده است. آن‌ها با در نظر گرفتن اثرات واقعی پویا ادعا کرده‌اند که مالیات در بلندمدت عامل مؤثر مهمی است.

کوان کامینادا و همکاران (۲۰۱۲)، در مقاله‌ای با عنوان بررسی نابرابری درآمدی و اثر توزیعی مالیات‌ها و پرداخت‌های انتقالی در ۲۰ کشور عضو OECD بیان می‌دارد که در اکثر کشورهای OECD فاصله بین غنی و فقیر در طی دهه‌های گذشته شدیدتر شده است. نتایج نشان می‌دهد که در بیشتر کشورها میزان توزیع مجدد نیز افزایش یافته است.

آدام و همکاران (۲۰۱۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان نابرابری درآمد و ساختار مالیات شواهدی از کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه، با استفاده از روش داده‌های ترکیبی به دنبال آزمودن اثر نابرابری درآمد بر ساختار سیاست‌های مالیاتی در ۷۵ کشور توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته برای دوره زمانی ۲۰۰۲-۱۹۸۰ پرداخته‌اند. نتایج این مقاله حاکی از آن است اقتصادهای نابرابرتر بیشتر به

1. Social Security Burden
2. Working PopulationB

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

سرمایه‌های وابسته به مالیات درآمد نیروی کار تکیه دارند. این رابطه در میان شاخص‌های متفاوت نابرابری درآمدی و رژیم‌های سیاسی گوناگون برقرار است.

رابیو اسلام و همکاران (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای به بررسی آیا نابرابری درآمدی قدرت مالیات‌دهی را محدود می‌کند، شواهدی از کشورهای OECD به بررسی مفاهیم نابرابری درآمد بر مالیات درآمدی بر تولید ناخالص برای ۲۱ کشور عضو OECD طی دوره زمانی ۲۰۱۱-۱۸۷۰ با استفاده از روش پانل پویا پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که با افزایش نابرابری درآمدی نسبت مالیات درآمدی کاهش می‌یابد. همچنین نسبت مالیات درآمدی با میزان دموکراسی و باز بودن تجاری افزایش یافته و با گسترش شهرنشینی کاهش می‌یابد. علاوه بر این نابرابری درآمدی باعث کاهش نسبت مالیات غیرمستقیم شده و ساختار مالیاتی را تغییر داده و سهم هزینه‌های دولت به صورت سهمی از GDP را تعدیل می‌کند.

قره‌باغیان و پروین (۱۳۷۵) در مقاله‌ای به آثار توزیعی مالیات در ایران پرداخته‌اند. نتایج تحقیق حاضر حاکی از تصویر ضعیف سیستم مالیاتی در رابطه با تأمین هزینه های سرمایه‌ای دولت و نیز تعدیل نابرابری درآمد در اقتصاد ایران است. این مقاله با محاسبه بار مالیاتی در گروه‌های هزینه، (طی هشت گزینه مختلف) و مقایسه درآمد گروه‌های هزینه قبل و بعد از پرداخت مالیات، به این نتیجه رسیده که سیستم مالیاتی در رابطه با تأمین هزینه های سرمایه ای ایران و نیز بهبود توزیع درآمد ضعیف عمل کرده است. نویسندگان معتقدند این بحث که در شرایط شدید نابرابری توزیع بتوان با دریافت مالیات از طبقات پردرآمد، وضعیت طبقات فقیرتر را بهبود بخشید فقط در چارچوب تئوریک قابل بحث است و در حیطه سیاست‌گذاری پذیرفتنی نیست.

ابونوری (۱۳۷۶) در مطالعه ای با موضوع «اثر شاخص های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران، با ارائه یک الگوی جدید توزیع درآمد»، به بررسی اثر انواع مالیات‌ها بر توزیع درآمد طی دوره زمانی ۱۳۷۰-۱۳۵۰ پرداخته و تأثیر عواملی همچون تورم، نسبت اشتغال، بهره‌وری نیروی کار، سهم درآمد شخصی از تولید ناخالصی داخلی، هزینه‌های دولت برای هر خانوار و کل مالیات دریافتی از هر خانوار بر توزیع درآمد را مورد بررسی قرار داده است. طبق نتایج این مطالعه به ازای

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

۱ درصد افزایش در کل مالیات‌های دریافتی از هر خانوار، بیشتر از ۰/۸۱ درصد به سطح نابرابری در سال بعد اضافه می‌شود و به طور کلی نظام مالیاتی به جای کاهش نابرابری اقتصادی، در جهت افزایش آن عمل کرده است. به عبارت دیگر مالیات‌ها طی این دوره نه تنها موجب تعدیل نابرابری نشده‌اند، بلکه بر سطح آن نیز افزوده‌اند.

نیلی و فرحبخش (۱۳۷۸) در مقاله ای به بررسی تأثیر ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که رشد اقتصادی و توزیع درآمد در یک جهت حرکت می‌کنند. بر اساس یافته های این تحقیق، ابزار مالیاتی جهت توزیع درآمد در ایران کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و به جای آن از سیاست‌های یارانه‌ای و مداخله در قیمت‌ها استفاده می‌شود که این امر منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

تحقیق دیگری در این زمینه، پایان‌نامه زمانی (۱۳۸۵) با عنوان تجزیه‌وتحلیل آثار مالیات‌ها بر نابرابری اقتصادی در ایران است. این تحقیق تأثیر انواع مالیات ها بر روی بیستک‌های درآمدی مناطق شهری و روستایی کشور را با استفاده از الگوی معادلات رگرسیونی به ظاهر نامرتبط (SURE) مورد بررسی قرار داده است. نتایج به‌دست آمده از این تحقیق حاکی از آن است که مالیات‌ها در مناطق شهری و روستایی آثار بسیار ضعیفی در جهت توزیع مجدد درآمد از خود بر جای گذاشته است.

اسلامی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان اثر برخی از متغیرهای اقتصادی کلان بر توزیع درآمد با تأکید بر یارانه‌ها، نتیجه‌گیری می‌کند که افزایش متغیرهای اشتغال، مالیات مستقیم سرانه و یارانه سرانه ۱۳۵۲، باعث کاهش نابرابری و افزایش متغیرهایی نظیر تولید ناخالص کالاهای اساسی طی دوره ۸۳ داخلی سرانه و نرخ تورم موجب افزایش نابرابری طی دوره مذکور شده است.

داوودی و براتی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با استفاده از مدل اقتصاد کلان‌سنجی به شبیه‌سازی اثرات سیاست‌های اقتصادی بر توزیع درآمد برای سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰، پرداخته‌اند. نتایج شبیه‌سازی نشان می‌دهد که سیاست افزایش درآمدهای دولت (درآمدهای نفتی و مالیاتی دولت) منجر به کاهش نابرابری می‌شود.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

در تحقیقی دیگر با عنوان اثربخشی مالیات بر نابرابری و توزیع درآمد در ایران که توسط اسداله زاده بالی (۱۳۸۶) انجام شده است اثر مالیات بر توزیع درآمد طی دوره (۸۴-۱۳۵۳) را مورد بررسی قرار داده است. این مقاله با استفاده از روش OLS به بررسی تأثیر مالیات بر شاخص توزیع درآمد (ضریب جینی) پرداخته است. نتایج این مقاله حاکی از آن است که با افزایش نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی و کاهش نرخ مالیات مستقیم به مالیات غیرمستقیم، ضریب جینی بهبود می‌یابد.

دادگر و غفاری (۱۳۸۷)، در مطالعه‌ای به بررسی نقش مالیات بر حقوق بر توزیع درآمد در ایران پرداخته و با استفاده از مدل‌های GER به این نتیجه رسیده‌اند که نرخ‌های مالیات بر درآمد مطلوب برای سال‌های برنامه سوم توسعه به ترتیب ۱۸/۲۵، ۲۸/۲۸، ۵/۱۲، ۵/۱۲ و ۵/۱۲ است.

عصاری آرانی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد در ایران، با استفاده از الگوی رگرسیون چندک»، تأثیر سیاست‌های مالی دولت بر توزیع درآمد در ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصل از تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که تأثیر سیاست‌های مالی دولت بر ضریب جینی ثابت نبوده، بلکه در بین چندک‌های مختلف متفاوت است. در حالی که این سیاست‌ها در چندک‌های پایینی تأثیر معناداری بر توزیع درآمد ندارند، تأثیر آن‌ها در چندک‌های بالایی کاملاً معنادار است.

آذربایجانی، مرادپور اولادی و نجفی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اثر سیاست‌های مالیاتی بر نابرابری درآمد و رشد اقتصاد» به بررسی موضوع فوق در کشور طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۵۴ بر اساس آزمون OLS پرداخته‌اند. یافته‌های به‌دست‌آمده حاکی است که نرخ رشد مالیات با ضریب جینی و رشد اقتصادی رابطه منفی دارد.

سیفی‌پور و رضایی (۱۳۹۰)، به بررسی اثر سیستم مالیاتی بر توزیع درآمد پرداختند. به‌علاوه در کنار تحلیل اثر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، تأثیر عواملی همچون نرخ بیکاری و حداقل دستمزد را نیز مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن است که افزایش مالیات‌های مستقیم و سطح حداقل دستمزد و کاهش مالیات‌های غیرمستقیم و نرخ بیکاری، توزیع درآمد بهبود می‌یابد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

حسین اصغرپور و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در استان‌های ایران با تأکید بر مالیات‌ها» با استفاده از داده‌های پانلی استان‌های کشور طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۸۴ و با بهره‌گیری از رویکرد اقتصادسنجی بیزینی اثر انواع مختلف مالیات در کنار برخی عوامل دیگر بر ضریب جینی (به عنوان مهم‌ترین شاخص توزیع درآمد) مورد کنکاش علمی قرار داده‌اند.

مهر آرا و اصفهانی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین توزیع درآمد و ساختار مالیاتی ۱۹ کشور منتخب طی سال‌های ۲۰۱۲-۱۹۹۵ با استفاده از داده‌های ترکیبی پرداخته‌اند. نتایج نشان دهنده این است که با افزایش سهم مالیات بر درآمد شخصی و سهم مالیات بر شرکت‌ها از کل درآمدهای مالیاتی، ضریب جینی کاهش خواهد یافت و توزیع درآمد بهبود خواهد یافت. همچنین با افزایش سهم مالیات بر کالاها و خدمات از کل درآمدهای مالیاتی، توزیع درآمد رو به وخامت خواهد نهاد و ضریب جینی افزایش خواهد یافت.

٤. مدل و روش‌شناسی تحقیق

ازجمله الگوهایی که در اقتصادسنجی داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود، الگوهای پویا هستند. یکی از ویژگی‌های خوب داده‌های ترکیبی این است که با وارد کردن عامل زمان می‌توان پویایی بین متغیرها را مورد بررسی قرار داد. فرم کلی یک الگوی پویا در داده‌های ترکیبی به صورت معادله (۱) است:

$$Y_{it} = \alpha Y_{it-1} + \beta X_{it} + \mu_{it} + u_{it} \qquad (۱)$$

که X_{it} بردار متغیرهای مستقل، Y_{it}بردار متغیر وابسته، μ_{it} عامل خطا مربوط به مقاطع و u_{it} عامل خطای مقطع iام در زمان t است. این مدل‌ها ممکن است که با همبستگی پیاپی[1]، ناهمسانی واریانس و ماهیت درون‌زایی برخی از متغیرهای توضیح‌دهنده و درنهایت درون‌زایی مواجه شوند. بنابراین نمی‌توان با برآوردکننده‌های قبلی آن ها را مطالعه کرد. راه‌حل این مسائل اقتصادسنجی

1. Serial Correlation

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

توسط آرلانو و باند[1] (۱۹۹۱) کشف شد، چراکه آنان برآوردکننده اولین تفاضل *GMM* را پیدا کردند. آرلانو و باند معادله تفاضلی زیر را پیشنهاد کردند:

$$(Y_{it} - Y_{it-1}) = \alpha(Y_{it-1} - Y_{it-2}) + \beta'(X_{it} - X_{it-1}) + (\varepsilon_{it} - \varepsilon_{it-1}) \qquad (۲)$$

یعنی، ابتدا اقدام به تفاضل‌گیری می‌شود تا به این ترتیب بتوان اثرات مقاطع یا μ_i را به ترتیب از الگو حذف کرد و در مرحله دوم از پسماندهای باقی‌مانده در مرحله اول برای متوازن کردن ماتریس واریانس- کوواریانس استفاده می‌شود. به عبارت دیگر این روش متغیرهایی تحت عنوان متغیرهای ابزاری ایجاد می‌کند تا برآوردهایی سازگار و بدون تورش داشته باشیم (بالتاجی[2]، ۲۰۰۵). در این مطالعه به منظور بررسی اثر مالیات های مستقیم و غیرمستقیم در استان‌های منتخب ایران از مدل به‌کارگرفته از مطالعه برد[3] (۲۰۰۵)، بیشوپ، فامبی و لامبرت[4] (۲۰۰۷)، آدام، کاماس و لاپا تیناس[5] (۲۰۱۴)، وو، پرلوف و آموس[6] (۲۰۰۶)، جیانگ[7] (۲۰۱۰) استفاده شده است، که به صورت معادله (۳) تصریح شده است.

$$\mathrm{LGiniit} = \alpha 0 + \alpha 1\mathrm{LDTAXit} + \alpha 2\mathrm{LindTAXit} + \alpha 3\mathrm{LGDPit} + \alpha 4\mathrm{LCPIit} + \varepsilon it \qquad (۳)$$

$\mathrm{LGini_{it}}$: لگاریتم ضریب جینی به عنوان شاخص توزیع درآمد بر حسب درصد؛

$\mathrm{LDTAX_{it}}$: لگاریتم مالیات‌های مستقیم به قیمت پایه سال ۹۰ و بر حسب میلیارد ریال؛

$\mathrm{LindTAX_{it}}$: لگاریتم مالیات‌های غیرمستقیم به قیمت پایه سال ۹۰ و بر حسب میلیارد ریال؛

$\mathrm{LGDP_{it}}$: لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت ثابت سال ۹۰ و برحسب هزار ریال به نفر؛

$\mathrm{LCPI_{it}}$: لگاریتم شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی به قیمت ثابت سال ۹۰ و برحسب درصد؛

ε_{it}: جز اخلال.

1. Arellano and Bond
2. Baltagi
3. Bird
4. Bishop, Formby and Lambert
5. Adam, Kamas and Lapatinas
6. Wu, Perloff and Amos
7. Jiang

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

داده‌های مورد استفاده در این پژوهش از سالنامه‌های آماری و حساب‌های ملی- منطقه‌ای مرکز آمار استخراج شده‌اند.

در بحث مدل‌سازی و روش تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Eviews 8 نخست به بررسی ایستایی داده‌ها از طریق آزمون‌های ریشه واحد پانلی لوین، لین و چو[1] (۲۰۰۲)، ایم، پسران و شین[2] (۲۰۰۳)، فیلیپس و پرون[3] (۱۹۸۸) و آزمون دیکی‌فولر[4] (۲۰۰۱) پرداخته، آنگاه نتایج آزمون هاسمن و F لیمر ارائه خواهند شد و برآورد مدل از طریق روش گشتاورهای تعمیم‌یافته مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

جدول ۱. نتایج آزمون‌های ریشه واحد پانلی برای متغیرهای الگو با در نظر گرفتن عرض از مبدأ

متغیر	آزمون لوین، لین و چو	آزمون ایم، پسران و شین	آزمون فیشر ADF	آزمون فیشر PP-
LDTAX	۹/۳۸۷۴۰ (۱/۰۰۰۰)	۱۰/۱۰۱۳ (۱/۰۰۰۰)	۷/۸۹۲۶۲ (۱/۰۰۰۰)	۵/۲۰۰۱۶ (۱/۰۰۰۰)
D(DTAX)	-۸/۶۱۲۷۴ (۰/۰۰۰۰)	-۱/۸۲۳۷۸ (۰/۰۰۰۰)	۹۰/۴۸۰۳ (۰/۰۰۱۴)	۱۰۸/۷۱۷ (۰/۰۰۰۰)
LGDP	-۱۳/۹۰۳۲ (۰/۰۰۰۰)	-۲/۵۷۵۵۶ (۰/۰۰۵۰)	۸۴/۶۱۱۶ (۰/۰۰۴۹)	۸۳/۵۶۵۶ (۰/۰۰۶۱)
LCPI	-۲/۴۲۲۵۶ (۰/۰۹۸۲۳)	-۴/۸۱۹۱۳ (۰/۶۵۱۰)	۰/۰۱۲۷۰ (۱/۰۰۰۰)	۰/۰۸۱۳۹ (۱/۰۰۰۰)
D(CPI)	-۱۶/۹۱۰۶ (۰/۰۰۰۰)	-۱۰/۲۷۸۸ (۰/۰۰۰۰)	۲۸/۰۴۷۳ (۰/۰۰۰۰)	۲۳/۲۰۲۵ (۰/۰۰۰۰)
LINDTAX	۰/۰۶۶۲۳ (۰/۵۲۶۴)	۴/۶۱۱۴۴ (۱/۰۰۰۰)	۲۶/۳۱۴۹ (۰/۹۹۹۵)	۱۳/۶۷۸۵ (۱/۰۰۰۰)

1. Levin, Lin and Chu
2. Im, Pesaran and Shin
3. Phillips & Perron
4. Dicky Fuller

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

متغیر	آزمون لوین، لین و چو	آزمون ایم، پسران و شین	آزمون فیشر ADF	آزمون فیشر -PP
D(LINDTAX)	-۲۱/۱۵۶۷ (۰/۰۰۰۰)	-۶/۷۸۸۶۰ (۰/۰۰۰۰)	۱۳۶/۰۹۸ (۰/۰۰۰۰)	۱۶۸/۶۱۹ (۰/۰۰۰۰)
LGINI	-۹/۷۲۹۹۵ (۰/۰۰۰۰)	-۱/۵۴۹۱۳ (۰/۰۶۰۷)	۷۹/۸۱۱۱ (۰/۱۲۸)	۴۶/۱۸۹۵ (۰/۷۶۶۱)
D(LGINI)	-۵/۷۲۸۰۹ (۰/۰۰۰۰)	-۱/۸۳۰۸۷ (۰/۰۰۳۰)	۶۰/۸۹۴۰ (۰/۰۰۰۰)	۶۶/۸۴۸۴ (۰/۰۰۰۰)

*اعداد بالا نشان‌دهنده آماره آزمون‌های مربوط به متغیرها و اعداد داخل پرانتز احتمال آن‌ها هستند.

مأخذ: نتایج تحقیق

با توجه به نتایج جدول ۱ مشاهده می‌شود که بیشتر متغیرهای وابسته در سطح مانا نبوده‌اند، ولی با یک بار تفاضل‌گیری مانا شدند. بنابراین متغیرهای وابسته هم‌انباشته از مرتبه اول هستند و با توجه به احتمال متغیرها می‌توان فرضیه H_0، مبنی بر وجود ریشه واحد برای تفاضل مرتبه اول رد کرد. ولی متغیرهای مستقل در سطح مانا هستند.

به منظور بررسی وجود داده‌های ترکیبی در مقابل داده‌های تلفیقی از آزمون F لیمر و برای تعیین اثرات ثابت و تصادفی از آزمون هاسمن استفاده خواهد شد که نتایج هرکدام از آزمون‌های فوق در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج حاصل از آزمون F لیمر

آزمون اثرات	آماره	درجه آزادی	احتمال
F	۳۲/۸۵۴۳۴۳	(۲۶/۱۸۱)	۰/۰۰۰۰
χ^2	۲۴/۵۶۵۲۹۴	۲۸	۰/۰۰۰۰

مأخذ: نتایج تحقیق

به دلیل آنکه مقادیر احتمال آماره f زیر ۰/۰۵ است، لذا فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود اثرات ثابت رد شده و اثرات ثابت مقطعی وجود دارد؛ و به بیان ساده‌تر وجود داده‌های ترکیبی (panel) در برابر داده‌های تلفیقی (pool) مورد تأیید است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

جدول ۳. نتایج حاصل از آزمون هاسمن

متغیرها	LGINI
اثرات مقطعی تصادفی با درجه آزادی (۴)	*۴/۴۸۸۵۸۹ (۰/۰۰۳۰)

*عدد بالا نشان‌دهنده آماره آزمون مربوط و عدد داخل پرانتز احتمال آن است.

مأخذ: نتایج تحقیق

به دلیل آنکه مقادیر احتمال آماره آزمون هاسمن بزرگ تر از ۰/۰۵ است، درنتیجه فرضیه صفر مبنی بر مناسب بودن اثرات تصادفی، پذیرفته می‌شود.

از آنجا که متغیرهای الگو طبق آزمون‌های ریشه واحد جواب یکسانی در مورد مانایی متغیرها گزارش نمی‌دهند، برای پرهیز از وجود رگرسیون کاذب در تخمین‌ها، باید هم‌انباشتگی بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گیرد. برای این منظور جهت بررسی و وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای الگو از آزمون هم‌انباشتگی کائو استفاده می‌شود. در مطالعه حاضر از آزمون هم‌انباشتگی باقی‌مانده‌های کائو استفاده شده است. فرضیه صفر این آزمون، عدم وجود هم‌انباشتگی است.

جدول ۴. نتایج حاصل از آزمون هم انباشتگی کائو

	آماره T	سطح احتمال
آماره ADF	-۱/۵۸۲۰۷۳	۰/۰۰۶۸

مأخذ: نتایج تحقیق

با توجه به نتایج جدول (۴)، وجود هم انباشتگی بین متغیرهای الگو رد نخواهد شد و فرضیه مبنی m بر وجود هم‌انباشتگی تأیید می‌شود؛ بنابراین وجود رابطه تعادلی بلندمدت و عدم وجود رگرسیون کاذب نیز بین متغیرهای الگو تأیید خواهد شد.

حال به برآورد نتایج حاصل از روش گشتاورهای تعمیم یافته طی دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۵ پرداخته خواهد شد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

جدول ۵. نتایج برآورد مدل به روش گشتاورهای تعمیم‌یافته

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
LGINI(1)	۰/۸۱۴۲۳۱	۰/۰۹۴۸۹۹	۸/۵۸۰۱۱۰	۰/۰۰۰۰
LGDP	-۰/۱۸۶۶۴۵	۰/۰۸۵۵۸۲۷	-۲/۱۷۴۶۹۴	۰/۳۰۱۲
LDTAX	۰/۱۰۳۵۳۸	۰/۰۵۵۲۶۵	۱/۸۷۳۵۰۲	۰/۰۴۲۹
LCPI	۰/۲۰۰۱۳۵	۰/۰۵۷۵۶۷	۳/۴۷۶۶۵۵	۰/۰۰۰۷
LINDTAX	-۰/۰۳۹۵۱۷	۰/۰۳۰۲۲۰	۲/۳۰۷۶۷۵	۰/۰۰۳۰

آزمون‌های تشخیص درستی مدل

متغیرها	ضرایب	احتمال
J- Statistic	۲۰/۱۶۱۲۰	۰۲۱/۳۰۴۹
Wald test	۵۵/۴۰۵۷۹	۰/۰۰۰۰
AR(1)	-۱/÷۳۷۲۹۷۱	۰/۱۶۹۸
AR(2)	-۲/۱۸۷۸۸۸	۰/۳۲۸۷

مأخذ: نتایج تحقیق

بر اساس نتایج آزمون والد، فرضیه آزمون کایدو مبنی بر صفر بودن تمامی ضرایب در سطح معنی‌داری یک درصد رد می‌شود و لذا اعتبار ضرایب برآوردی تأیید می‌شود. مقادیر آماره J که نشان‌دهنده آزمون سارگان است، فرضیه وجود هر نوع وابستگی بین متغیرهای ابزاری با پسماندها رد می‌شود و نشان می‌دهد که متغیرهای ابزاری به‌کاررفته در تخمین الگو از اعتبار لازم برخوردارند و اعتبار ضرایب جهت تفسیر تأیید می‌شود. نتایج آزمون آرلانو و باند نشان می‌دهد جملات اخلال تفاضل‌گیری شده دارای همبستگی مرتبه اول AR(1) و دوم AR(2) نیستند و فرضیه صفر آزمون مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی سریالی مرتبه اول در جملات پسماند رد نمی‌شود؛ بنابراین روش تخمین، روش مناسبی برای برآورد مدل است. نتایج برآورد شده نشان می‌دهد که با فرض ثابت بودن سایر شرایط اگر یک درصد مالیات های مستقیم افزایش پیدا کند ضریب جینی به اندازه ۰/۱۰ درصد افزایش می‌یابد. به عبارتی توزیع درآمد ناعادلانه خواهد شد. در حالی که با افزایش مالیات‌های غیرمستقیم، ضریب جینی به اندازه ۰/۰۳ درصد کاهش

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

معنی‌داری خواهد داشت و درنتیجه توزیع درآمد عادلانه خواهد بود. این نتیجه همانند مطالعات دیگر بر لزوم توجه به اهمیت مالیات‌های غیرمستقیم نسبت به مستقیم تأکید دارد.

با افزایش تولید ناخالص داخلی به اندازه یک درصد، ضریب جینی به اندازه ۰/۱۸ درصد کاهش یافته است که از لحاظ آماری این مقدار از سطح اطمینان بالایی برخوردار است. به عبارت دیگر، افزایش تولید ناخالص داخلی در استان‌های ایران دارای اثر مثبتی همچون افزایش تقاضای کل و همچنین کاهش بیکاری است. از همین رو درآمد دهک‌های مختلف درآمدی افزایش یافته، و توزیع درآمد عادلانه خواهد شد. یکی از متغیرهایی که بر افزایش نابرابری طی دوره مورد بررسی در ایران تأثیرگذار است، افزایش سطح عمومی قیمت‌هاست. ضریب این متغیر در سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد معنادار است. این ضریب نشان دهنده این است که افزایش تورم و سطح عمومی قیمت‌ها باعث به وجود آمدن نابرابری درآمدی در ایران طی دوره مورد بررسی شده است؛ زیرا افزایش قیمت‌ها و تورم باعث افزایش فشار به دهک‌های پایین درآمدی و کاهش هر چه بیشتر درآمد واقعی آن‌ها و درنتیجه افزایش نابرابری بیشتر در جامعه می‌شود.

۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به نقش و اهمیت مالیات ها در توزیع درآمد در جامعه، در مطالعه حاضر با به‌کارگیری داده‌های ترکیبی و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته به بررسی و تجزیه‌وتحلیل تأثیر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم بر توزیع درآمد در ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ پرداخته شده است. صحت نتایج به‌دست‌آمده با توجه به آماره تشخیصی و انجام آزمون‌های مورد نیاز تأیید شد.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق، اعمال مالیات‌های مستقیم طی دوره مورد بررسی در ایران باعث افزایش نابرابری درآمدی در استان‌های ایران شده است. لذا اگر دولت اقشار مختلف جمعیتی با درآمدهای مختلف را به خوبی شناسایی و این سیاست را به طرز صحیح اعمال کند، می‌تواند در کاهش نابرابری درآمدی و درنتیجه کاهش فقر تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر، اعمال مالیات‌های غیرمستقیم باعث کاهش نابرابری درآمد شده است. ازا ین رو دولت بایستی انواع مالیات های غیرمستقیم جهت پوشش درآمدهای مالیاتی استفاده کرده و نرخ مالیات‌های

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

مستقیم را کاهش داده، چراکه نه‌تنها در این مطالعه بلکه در مطالعات مشابه هم این نتیجه به دست آمده است. از سوی دیگر افزایش تولیدات در جامعه، باعث افزایش تقاضای کل در جامعه و به طور نسبی افزایش سطح درآمد اقشار مختلف جامعه می‌شود که تداوم این نتیجه باعث کاهش نابرابری درآمدی است.

همچنین افزایش شاخص قیمت کالاها و خدمات که به عنوان شاخصی از تورم در این مطالعه آورده شده است، باعث کاهش درآمد و دستمزد واقعی افراد جامعه و همچنین فشار بیشتر به دهک‌های پایین درآمدی می‌شود. لذا افزایش درآمد باعث افزایش بیشتر نابرابری خواهد شد.

دولت می‌تواند با شناسایی فعالیت های بخش اقتصاد زیرزمینی گامی در جهت افزایش درآمدهای مالیاتی بردارد که این امر سبب بهبود ملاک عدالت و کارایی مالیات بر درآمد خواهد شد.

لازم است دولت برنامه‌هایی را جهت افزایش فرصت‌های شغلی، به صورت عملیاتی انجام دهد؛ چراکه در بلندمدت سبب بهبود توزیع درآمد خواهد شد. همچنین هرساله حداقل دستمزد را بر اساس نرخ تورم واقعی جامعه تعیین کنند، زیرا نتایج حاصل گویای این مطلب بود که افزایش حداقل دستمزد رابطه مستقیم با بهبود توزیع درآمد دارد.

به منظور بررسی دقیق آثار مالیات ها بر توزیع درآمد، بهتر است مخارج دولت (به عنوان متغیر مالی دیگر) نیز در کنار آن در نظر گرفته شود؛ زیرا از یک طرف پرداخت مالیات در کاهش قدرت خرید برخی از افراد که دولت درصدد کاهش درآمد آن‌هاست مؤثر خواهد بود و در مقابل، دولت از طریق مالیات‌های جمع‌آوری‌شده با پرداخت‌های انتقالی خود، درآمد گروه‌های کم‌درآمد جامعه را افزایش می‌دهد. نتیجه این سیاست مالی این است که از یک طرف، مخارج انتقالی دولت به سود افراد کم‌درآمد خواهد بود و از طرف دیگر، بار و زیان مالیاتی نیز به افراد پردرآمد تحمیل می‌شود.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

منابع

آذربایجانی، کریم، مهدی مرادپور اولادی و زهرا نجفی (۱۳۹۰). «بررسی اثر سیاست های مالیاتی بر نابرابری درآمد و رشد اقتصادی». *راهبرد یاس*. شماره ۲۶. صص ۶۴-۷۹.

ابونوری، اسماعیل (۱۳۷۶). «اثر شاخص‌های یکسان بر توزیع درآمد در ایران». *مجله تحقیقات اقتصادی*. دوره ۳۲. شماره ۲.

اسداله‌زاده بالی، میررستم (۱۳۸۶). «اثربخشی مالیات بر نابرابری توزیع درآمد در ایران». مجموعه مقالات اولین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران. سازمان امور مالیاتی کشور. دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی. تهران.

اسلامی، سیف‌اله (۱۳۸۴). «اثر برخی از متغیرهای اقتصاد کلان بر توزیع درآمد با تأکید بر یارانه‌ها». مجموعه مقالات همایش اقتصاد ایران در گام نهم. وزارت امور اقتصاد و دارایی. تهران.

اصغرپور، حسین؛ نصیب پرست، سیماف و حمید مرادی (۱۳۹۱). «عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در استان‌های ایران با تأکید بر مالیات‌ها». *پژوهش‌نامه مالیات*. سال بیست و دوم. شماره ۲۱.

برانسون، ویلیام- اچ (۱۳۷۶). *تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان*. ترجمه عباس شاکری. نشر نی.

پروین، سهیلا و مرتضی قره‌باغیان (۱۳۷۵). «آثار توزیعی مالیات در ایران». *مجله اقتصاد*. دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

جعفری صمیمی، احمد (۱۳۷۵). *اقتصاد بخش عمومی ۱*. چاپ دوم. انتشارات سمت.

دادگر، یداله و علی‌اکبر غفاری (۱۳۸۷). «بررسی اثر مالیات بر حقوق بر توزیع درآمد در ایران». *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*. سال هشتم. شماره ۲.

داوودی، پرویز و محمدعلی براتی (۱۳۸۶). «بررسی آثار سیاست های اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران». *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*. شماره ۴۳.

رنگرز، حسن و غلامحسین خورشیدی (۱۳۷۷). *مالیه عمومی و تنظیم خط مشی مالی دولت*. شرکت چاپ و نشر بازرگانی. تهران.

زمانی، جواد (۱۳۸۵). «تجزیه‌وتحلیل آثار مالیات‌ها بر نابرابری اقتصادی در ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مازندران.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

سیفی‌پور، رؤیا و محمدقاسم رضایی (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد با تأکید بر مالیات‌ها». *پژوهشنامه مالیات*. شماره دهم (مسلسل ۵۸). صص ۱۴۲-۱۲۱.

طیب‌نیا، علی (۱۳۸۴). «مقدمه‌ای بر اصلاح نظام مالیاتی ایران». طرح تحقیقاتی. سازمان امور مالیاتی کشور. دفتر طرح مالیات بر ارزش افزوده.

عصاری آرانی، عباس؛ عاقلی، لطفعلی و سعید شفیعی (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد در ایران». *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*. سال یازدهم. شماره ۱.

قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ با آخرین اصلاحات مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷. تهران. انتشارات دانشکده علوم اقتصادی. ۱۳۸۱.

مهرآرا، محسن و پوریا اصفهانی (۱۳۹۴). «بررسی رابطه بین توزیع درآمد و ساختار مالیاتی کشورهای منتخب». *پژوهشنامه مالیات*. شماره ۲۸. صص ۲۲۸-۲۰۹.

نیلی، مسعود و علی فرح‌بخش (۱۳۷۸). «ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد». *مجله برنامه‌وبودجه*. شماره ۳۴ و ۳۵.

Adam, A., P. Kammas and A. Lapatinas (2014). "Income Inequality and the Tax Structure: Evidence from Developed and Developing Countries", *Journal of Comparative Economics*, Article in Press.

Brid, R. (2005). "Redistribution Via Taxation: Role of the Personal Income Tax; International Studies Program", University of Toronto.

Chu, Ke Young, Hamid Davoodi and Sanjeev Gupta (2000). "Income Distribution and Tax and Government Social Spending Policies in Developing Countries", IMF Working Paper 00/62, Washington D.C, International Monetary Fund.

Engel, E, Galetovic, A. and Raddatz, C. (1999). "Taxes and income distribution in Chile: some unpleasant redistributive arithmetic", *Journal of Development Economics*, No. 59, PP. 155-192.

Jiang, Lily (2010). "Estate Tax and Lifetime Income Inequality", *Economic Modelling*, Vol. 27.

Koen Caminada, Kees Goudswaard and Chen Wang (2012) "Disentangling Income Inequality and the Redistributive Effect of Taxes and Transfers in 20 LIS Countries Over Time", Working Paper Series No. 581

Mehran, Farhad, (1975), "Tax and Income distribution of tax burdens in Iran", working paper, WEP 2/33, WP/33. of Comparative Economics, Article in Press.

Rabiul Islam, Md., B.Madsen, J. and Doucouliagos, H (2017). "Does Inequality Constrain the Power to Tax? Evidence from the OECD". *European Journal of Political Economy*.

Right, Randle (1995), "taxes redistribution and growth", department of economics, university of Pennsylvania, Philadelphia.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

Roine, J., Vlachos, J., Waldenström, D., (2009),: "The long-run determinants of inequality: What can we learn from top income data", *Journal of Public Economic*
Rosen, H. S. (2005). *Public Finance*, 7th ed., New York, McGraw-Hill Irwin.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]